

برخی کانال های معارض، ویدئوهای هولناکی از اقدامات خشن تروریست ها منتشر کرده‌اند

اعتراف اپوزیسیون به خشونت‌ورزی

«آتش زدن پایگاه پلیس»، «تهاجم جوانان شورشگر به بانک‌ها»، «تصرف دادگستری»، «خلع سلاح وسوزاندن کلاتری رامسر»، «اتیراندازی به خودروی گشت ویژه»، «حمله به پایگاه بسیج» واقعیت این است که در همین حملات کوتاه هم نمی توانند خوشحالی شان از لوج گرفتن خشونت کشتار و آسیب به اموال مردم را انکار کنند.
کانال‌های فارسی زبان موجب بگیر صهیونی از ۱۸ دی ماه تا امروز به نام «انقلاب ملی» و به کام آمریکا و صهیونیست‌ها، مکرراً تصویری از اعمال خشونت، آسیب زدن به اموال مردم، فروشگاه‌ها، بانک‌ها و کلاتری‌ها منتشر کردند. تصاویری که خشونت‌عربانی که در خیابان‌های ایران در حال وقوع بود را نشان می داد، نتیجتاً جدا از جانهای عزیزی که پر کشیدند، ۷۰۰ فروشگاه محلی، ۷۵۰ بانک، ۳۰۰ واحد مسکونی، ۸۰۰ خودروی شخصی آسیب دیدند. این خسارات تنها بخشی از آسیبی است که به اموال مردم و کشور وارد و به نام اعتراض ملی در کانال‌های خبری بازوان رسانه‌ای مוסاد، منتشر شد و با آن مارش پیروزی زدند. در این مدت و در نگاه به شبکه‌های فارسی‌زبان موارد متعددی از نمایش جنایت و خشونت سازماندهی شده از جانب معترض نمایان دیده شد که با نگاه اجمالی نیز رقم آن قابل توجه به نظر می‌رسد.

پرفورمنس یک خشونت‌عریان

خشونت عریان‌تر از آنچه انتظار می‌رفت در حال وقوع بود. اصلاً پلن اینطور برنامه‌ریزی شده بود که آشوب را به بالاترین سطح، برساند برای تلفات ایجاد کردن و تحقق اهداف. از آموزش ساخت سلاح‌های سرد و گرم برای به کارگیری آن تا حمله به پاسگاه و کلاتری با هدف رسیدن به انبار تسلیحات، روشن بود که پای خشونتی طرح‌ریزی شده در میان است. هم‌زمان با انتشار فراخوان‌ها و تلاش برای به خیابان آوردن مردم، برخی کانال‌ها و پروژه بگیران مוסاد، وظیفه تحریک و ترغیب به استفاده از سلاح را به عهده گرفتند. کانال‌های تلگرامی که وابسته به موساد یک کلیدواژه را بسیار تبلیغ می کردند: «رحم نکنید!» «به اینارحم نکنید با کوکتل برید سر اغشون» «زیر دست و پالهبون کنید»، «اگه سرکو بگران شهر رو می شناسید به خونشون هجوم ببرید.»، ««ترقه بازا، اکلیل سرنج یادتون نره، درست کنید ببرید»، کار تاجایی بالا گرفته بود که حتی این کانال‌ها می نوشتند اگر کسی در میان تجمع کنندگان خواست نامیدن آن کند، اوزا هم بزنید و اگر گفت شما با طرف مقابل چه فرقی دارید، باز هم بزنیدش. هدفشان ترویج خشونت به عریان‌ترین روش‌ها بود. برخی از این کانال‌ها حتی کانال‌های موازی برای سساخت کوکتل مولوتوف، شوکر، ابزار حمله به خودروهای پلیس را هم آموزش می دادند. در کنار این آموزش‌ها برای دادن روحیه به تخریگران و تحریک آنها به بی‌رحمی بیشتر، ویدئوهای ضرب و شستم شدید و هتک حر مت ماموران حافظ امنیت را منتشر می کردند تا این حجم از خشونت به سادگی عادی سازی شود.

کار ویژه روشن بود؛ تحریک و ترغیب به رساندن خشونت به حد اعلی تا پس از آن خوراک برای بازوان رسانه‌ای موساد فراهم شود و با نمایش این صحنه‌ها، یک جنگ گسترده شهری در خیابان‌های ایران بر پا شود.

وقتی پروژه سازخودش را لومی دهد

اتوبوس هادر خیابان در حال سوختن اند. حاضران دست‌هایشان را به نشانه پیروزی بلند می کنند و چند نفری هم مسئولیت ثبت تصویر را به عهده‌دارند. کف خیابان، مواد غذایی و کیشه‌های برنج ریخته شده که نشان می‌دهد آشوبگران پیش از آتش زدن اتوبوس ترتیب فروشگاه‌های اطراف محل را نیز داده‌اند. این تصویر بیش از آنکه نمادی از اعتراض باشد، به جنگ‌های خیابانی که مشابه آن پیش‌تر در غرب آسیا رخ داده، شباهت دارد. ویدئو را کانال ضد ایرانی مملکت‌ه منتشر کرده و مدعی شده زمان آن مربوط به پنجشنبه ۱۸ دی‌ماه در منطقه تهرانرس است. محتوای قابل توجهی در کانال‌های ضدایرانی به چشم می‌خورد که نه فقط به وجود خشونت که به مسلح بودن آشوبگران اعتراف می‌کند. برای منتشر کنندگان ویدئو‌ها آنچه مهم است جا انداختن این تصویر است که این مردم‌اند که اینطور دست به آشوب و اغتشاش زده‌اند؛ اما همسانی و یکسانی خرابکاری‌ها در مناطق مختلف و به‌نوعی در کل کشور، پروژه بودن این ناآرامی خودش را لو می‌دهد.

منوتو و اینترنت‌نشال؛ شعبون بی‌مخ‌های ۱۴۰۴

کانال پهلوی، موساد و منوتو از ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه چندین ویدئو به اسم انقلاب ملی ایران منتشر کرده است. تفاوتی نمی‌کند که ویدئوها با این هشتگ چه چیزی منتشر می‌کنند از حمله مسلحانه گرفته تا آتش زدن ماشین‌های مردم، مهم آن است که آن‌ها مدعی‌اند این نه یک ششورش و آشوب که انقلاب است حتی اگر یک‌روز یا باشد. آنچه در ویدئوهای منتشر شده لو می‌دهد، خشونت سازمان‌یافته‌ای است که صحت تحلیل‌ها در مورد پروژه بودن آشوب‌ها را اثبات می‌کند. جدای از آن کانال ضدایرانی اینترنت‌نشال هم همین ویدئوها را با همین فیلم‌نوشت، منتشر کرده است. در ادامه به مواردی از اعتراف به این خشونت پرداختیم؛

۱. ویدئو جمعیتی را نشان می‌دهد که مقابل کلاتری منطقه ایستاده‌اند، یک نفر در حال از جاد آوردن درب ساختمان است و از آن طرف آتش و دود بلند شده است. راوی می‌گوید مردم پاسگاه‌را گرفتند. ویدئو را کانال ضدایرانی منوتو منتشر کرده و مدعی شده این اتفاق در مشهد رخ داده است.

۲. مقابل یک ساختمان ایستاده‌اند، آتش از دلش زبانه می‌کشد و چند نفری



هم در حال تخریب درب ورودی ساختمان‌اند، حاضران سوت و کف می‌زنند و خرابکاران را تشویق می‌کنند. جالب آنکه ویدئو با فیلم‌نوشت انقلاب ملی ایران منتشر شده است.

۳. «ماشین یگان و یژه را آتش زده‌اند. دوستان زحمتش را کشیدند. رضارضا پهلوی اینه شعار ملی.» منتشر کنندو ویدئو را همین پیام ویا تصویر سوختن ماشین یگان ویژه، منتشر کرده و اینترنت‌نشال هم نامش را گذاشته، انقلاب ملی.

۴. «میلون جنگه، بیابن حمله.» این فیلم‌نوشت با سرو صدا و هیاهوهایش بیش از آنکه به اعتراض مدنی شبیه باشد به جنگ داخلی شباهت دارد یا به گفته ویدئو همان میدان جنگی است که آشوبگران ساخته‌اند.

۵. «اینه خروش آریایی» ویدئویی که از دل آتش و دود در خیابان گرفته شده و دختری این را فریاد می‌زند و در کانال خبری منوتو منتشر کرده است.

خشونت، اغتشاش، تروریسم؛ هرآنچه منافقین دوست دارند

پایگاه مقاومت بسیج در منطقه نازی‌آباد شبیه به ساختمان‌هایی که موشک خورده باشند در حال سوختن است. کانال منسوب به منافقین آن را به نام اعتراض مردم، منتشر کرده است. بررسی کمی بیشتر در این کانال ضدایرانی، ویدئوهای بیشتری از جنایت و خشونت سازماندهی شده مزدوران را نشان می‌دهد. اتفاقاتی که هم آسیب به اموال وارد کرده، هم خوراک خبری برای بازوان رسانه‌ای موساد فراهم کرده است و البته یک پیام مهم دارد و آن اعتراف مزدوران به اعمال خشونت کف خیابان است، در ادامه به مواردی از نمایش این خشونت‌ها اشاره کردیم؛

۱. پایگاه پلیس را در منطقه نازی‌آباد آتش زده‌اند در حالی که دود و آتش بزرگی در ویدئو به چشم می‌خورد صدای کف و سوت‌شان بلند می‌شود. ویدئو با هشتگ مبارزه مسلحانه منتشر شده است.

۲. موتور را در آتش انداخته‌اند، ماشین را آتش زده‌اند و در ویدئویی که گرفته می‌گود ماشین و موتور مزدوران نظام را آتش زدیم. در ادامه ویدئو آشوبگران وسط خیابان سنگر ساخته‌اند و در حال تیراندازی‌اند. ویدئو با کپشن میدان جنگ در شهر یار در کانال منسوب به منافقین منتشر شده است.

۳. کوکتل مولوتوف را به سمت بانک پرتاب می‌کند، بانک در حال سوختن است و تقریباً شبیه به یک مخرو به شده است. به نام اعتراض ویدئو را منتشر کردند و در کپشن نوشته‌اند «تهاجم جوانان شورشگر به بانک».

۴. از کاغذ و وسایل‌هایی که کف خیابان پخش شده‌اند؛ معلوم است وسایل و کاغذ‌ها را از یک سساختمان اداری خارج کرده‌اند. لحظه‌ای از ویدئو را منتشر

مصطفی غفاری، جامعه‌شناس در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

اولین نشانه شنیدن اعتراض، احساس تغییر در زبان حکمرانی است

■ ترس از تغییر باعث تضعیف ایران می‌شود

پروژه ایجاد جنگ داخلی و نا‌امن کردن خیابان، شکست مسختی خورد و زودتر از آنچه انتظار می‌رفت جمع شد اکنون اما یک سؤال واحد پیش‌روی حکمرانی و در نگاه به آینده وجود دارد به این معنی که باید چه کنیم تا با چنین اتفاقات و رویدادهای تلخی چه در سطح اعتراض چه اغتشاش، روبه‌رو نشویم. طبیعتاً کلان‌مسئله‌هایی در این حوزه قابل طرح است اما مسکن‌های مقطعی برای کنترل جامعه نیز قابل طرح هستند، برای پاسخ به این سؤال با مصطفی غفاری، جامعه‌شناس گفت‌وگو کردیم. متن این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

با بحران ناکارآمدی انباشته و فزاینده روبه‌رو هستیم

مصطفی غفاری در خصوص اینکه بعد از گذار از شرایط آشوب می‌بایست چه اقداماتی در دستور کار حکمرانی قرار گیرد به این موضوع تأکید کرد که

برخی کانال های معارض، ویدئوهای هولناکی از اقدامات خشن تروریست ها منتشر کرده‌اند



می‌کند خیابان شبیه مناطق جنگ‌زده در حال سوختن است. ویدئو با عنوان «رشت در آتش و دود دست مردم» منتشر شده است.

۵. در یک راسته خیابان در شهرستان مبارکه اصفهان، کامیون‌ها و ماشین‌های شخصی مردم را نشان می‌دهد، هرچه ییلورد و نمای بیرونی شهر است را آتش زده‌اند و مدعی شده‌اند اینطور شهر را تصرف کرده‌اند، اما به خاطر قطعی اینترنت؛ خبر سقوط دیرتر منتشر شده است.

۶. در ویدئوی دیگری فردی را به اتهام بسیجی بودن بعد از اینکه به سختی مورد ضرب و شتم قرارش داده‌اند، عرب‌ایش کرده و وادارش کردند با همان حالت و زخمی راه برود و از همه این صحنه‌ها ویدئو ضبط کرده‌اند.

۷. وارد کلاتری رامسر شده‌اند در حیاطش آتش روشن کرده‌اند و به اسم خلع سلاح و سوزاندن کلاتری نام آن را اعتراض ملی گذاشته‌اند.

۸. «این الگورا باید در سراسر ایران تکثیر کرد.» این متن کپشن ویدئویی است که لحظه تیراندازی به ماشین گشت انتظامی را نشان می‌دهد. همین یک واکنش برای اثبات آنچه در ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه رخ داد، کافی است. آشوبگران مسلحی که اسلحه به سمت گشت‌های نظامی و انتظامی بلند می‌کنند آن هم با هدف ایجاد جنگ داخلی.

۹. تصویری از یک پاسدار را در کانال منتشر کرده و اشاره می‌کند، در جریان اتفاقات اخیر جانش را از دست داده، جالب آنکه کشته شدن او را اینطور توجیه می‌کند «این پاسدار در مشهد هدف خشم مردم و جوانان معترض قرار گرفته و به‌شدت مورد ضرب‌وشتم واقع شده بود.»

مختل کردن زندگی مردم به اسم اعتراض مدنی

فارغ از اعتراف رسانه‌ها به وقوع خشونت و حمایت از این جریان خشن و سازماندهی آنچه بیش از همه عجیب به‌نظر می‌رسد، میزان خسارت و خرابی است که به برخی از فروشگاه‌های زنجیره‌ای در کشور و کسب‌وکار مردم عادی وارد شده است. ناپود شدن کامل بازار رشت با آتش‌سوزی بخشی از این جنایت است. در مناطق مختلف شهر تصاویری به چشم می‌خورد که معترض نمایان وارد فروشگاه‌های زنجیره‌ای شده‌اند، اقلام آن را در زده‌اند، برخی را روی زمین ریخته‌اند و ادوات سساختمان و خود ساختمان را آتش زده‌اند. تصویر فردی که با صورت پوشونده مراد غنایی را کف خیابان ریخته در حالی که یکی از ادوات فروشگاه زنجیره‌ای افق کوروش در حال سوختن است و از علامت پیروزی نشان می‌دهد، تصویری از یک اعتراض حتی در نوع خشونت بارش نیست. این رفتار عملاً اصل اعتراض که به مسائل معیشتی و اقتصادی بود را زیر سؤال می‌برد و نشان می‌دهد، آشوبگران اهداف دیگری داشتند.

خشونت مرز نمی‌شناسد اما روایت‌ها چرا

علی جاخوزاده خبرنگار

خشونت، در هر شکل و یا هر توجیهی، پیش از آنکه یک رفتار سیاسی باشد، نقض آشکار کرامت انسانی و تهدید مستقیم امنیت جمعی است. حمله به مراکز مذهبی، آتش زدن اماکن عمومی، شلیک به مأموران امنیتی و... فارغ از اینکه در کدام کشور و با چه انگیزه‌ای رخ دهند، یک پیام مشترک دارند: تلاش برای تحمیل اراده از مسیر غلط و باطل، تجربه جهانی نشان داده که هیچ جامعه‌ای با خشونت ساخته نشده و هیچ مطالبه‌ای با حمله به زیرساخت‌های امنیتی یا مذهبی مشروعیت پیدا نکرده است. محکوم کردن چنین اقداماتی، نه یک موضع سیاسی، بلکه یک اصل اخلاقی و انسانی است که هر جامعه‌ای برای حفظ بنیان‌های خود به آن نیاز دارد.
امادر کنار این اصل اخلاقی، یک واقعیت حقوقی و امنیتی نیز وجود دارد: حمله سازمان‌یافته به مراکز امنیتی، در هیچ جای جهان «اعتراض» تلقی نمی‌شود.

واقعیت میدانی دی‌ماه؛ فراتر از اعتراض

در ناآرامی‌های دی‌ماه ایران، بنابر آمار رسمی، صدها مرکز امنیتی و نظامی هدف حمله قرار گرفت؛ از جمله ۷۴۹ کلاتری و ۱۲۰ پایگاه بسیج. این ارقام، حتی اگر با دیده تردید به برخی جزئیات نگریسته شود، باز هم نشان‌دهنده سطحی از خشونت سازمان‌یافته است که با الگوی «اعتراض خیابانی» همخوانی ندارد. در هیچ نظام حقوقی دنیا، حمله هماهنگ به مراکز پلیس و پایگاه‌های نظامی ذیل «جرم عادی» تعریف نمی‌شود. معیار قضاوت در چنین مواردی، انگیزه مهاجمان نیست؛ ماهیت هدف، گستره عملیات و اثر آن بر امنیت عمومی است. در بسیاری از کشورها، چنین اقداماتی ذیل مفاهیمی چون اقدام علیه امنیت ملی، تروریسم، یا مداخله مسلحانه داخلی بررسی می‌شود. این یک قاعده حقوقی جهانی است، نه یک استثنا.

تجربه جهانی: خط قرمزی که همه می‌شناسند

برای فهم این قاعده کافی است به تجربه کشورهای مختلف نگاه کنیم. در فرانسه ۲۰۱۵، پس از حملات هماهنگ به پلیس و مراکز دولتی، وضعیت فوق‌العاده اعلام شد و ارتش وارد خیابان‌ها شد. در آمریکا ۱۹۹۲، حمله به ایستگاه‌های پلیس در لس‌آنجلس باعث شاد گارد ملی و حتی ارتش وارد عمل شوند. در بریتانیا دهه ۸۰، حمله به مراکز پلیس در ایرلند شمالی «اقدام مسلحانه» تلقی شد، نه اعتراض. در ترکیه ۲۰۱۶، حمله به پایگاه‌های نظامی در جریان کودتای نافرجام با شلبدین‌ترین برخورد مواجه شد. در همه این نمونه‌ها، دولت‌ها صرف‌نظر از نوع حکومت در برابر تهدید مستقیم به زیروهای امنیتی، واکنشی سخت و یازارنده نشان دادند. این واکنش، نه از جنس سیاست، بلکه از جنس منطق بقا است؛ زیرا هیچ حکومتی نمی‌تواند نسبت به حمله به ستون نظم عمومی بی‌تفاوت باشد.

نمونه معاصر؛

سخنان معاون رئیس جمهور آمریکا

تاؤزترین نمونه این منطق را می‌توان در سخنان جی‌وینس معاون رئیس‌جمهور آمریکا دید. او در واکنش به خشونت‌های مینیاپولیس گفت: «اگر به یک افسر حمله کنید، ما هر کاری که لازم باشد انجام می‌دهیم تا شما را به زندان بیندازیم...». اگر اعتراض مسالمت‌آمیز باشد از حقوق دفاع می‌کنیم، اما اگر به کسی حمله کنید یا کسی را تهدید کنید، ما برخورد خواهیم کرد.»

این سخنان، بازتاب همان اعداءای است که در بسیاری از کشورها وجود دارد: حمله به حافظان نظم، خط قرمز است.

تناقض روایت‌ها؛ یک رفتار، دو نام

اما تناقض از جایی آغاز می‌شود که رفتار مشابه، نام‌های متفاوت می‌گیرد. در آمریکا واکنش سخت «اجرای قانون» نامیده می‌شود، در فرانسه «دفاع از امنیت ملی»، در بریتانیا «مقابله با تهدید مسلحانه»؛ اما اگر ایران در برابر حمله به مساجد، کلاتری‌ها یا تیروهای امنیتی واکنش نشان دهد، برخی رسانه‌ها همان رفتار را «سروکوب» می‌خوانند. این تفاوت، نه از جنس واقعیت میدانی، بلکه از جنس روایت‌سازی است؛ روایتی که در اتاق‌های خبر، اتاق‌های فکر و اتاق‌های قدرت شکل می‌گیرد. در جهان امروز، قدرت روایت گاهی از قدرت قانون هم پیشی می‌گیرد. اینکه یک اقدام واحد چه نامی بگیرد، گاه بیش از آنکه به ماهیت آن وابسته باشد، به زاویه دوربین بستگی دارد.

امنیت و آزادی؛ ترازو همیشه یکسان نمی‌ماند

در حکمرانی مدرن، همیشه میان دو کفه تعادل برقرار می‌شود: حقوق شهروندی و امنیت ملی. اما وقتی پای حمله به زیرساخت‌های امنیتی وسط باشد، ترازو تقریباً در همه کشورها به سمت امنیت سنگین می‌شود. این یک واقعیت تجربی است، نه یک قضاوت ارزشی. تفاوت فقط در این است که چه کسی داستان این سنگینی را روایت می‌کند، و چه کسانی آن را باور می‌کنند. تاریخ یک درس مشترک دارد: خط قرمز م‌ها را می‌توان با قدرت حفظ کرد، اما نمی‌توان با قدرت ترمیم کرد. اگر ریشه‌های نارضایتی، بی‌اعتمادی یا شکاف اجتماعی درمان نشود، این خطوط بارها کشیده می‌شوند و بارها شکسته می‌شوند. خشونت محکوم است، حمله به مراکز امنیتی خط قرمز است و روایت‌ها هرچقدر هم متفاوت باشند، واقعیت میدانی را تغییر نمی‌دهند.
امادر کنار همه این‌ها، هیچ جامعه‌ای بدون رسیدگی به ریشه‌های بحران به ثبات پایدار نمی‌رسد. دولت‌ها می‌توانند با قدرت از خطوط قرمز دفاع کنند، اما نتا گفت‌وگو، اصلاح و اعتمادسازی است که می‌تواند این خطوط را از چرخه تکرار خارج کند.

ناچار باشند برای بیان هر نقد و ایجاد هر تغییری خود را بیرون از چهارچوب نظام سیاسی تعریف کنند، روائست. هرچه هاضمه نظام در جذب اعتراض و تبدیل آن به تغییر مؤثر در کارآمدی و پیشرفت کشور بالاتر باشد، هم به مبانی ارزشی نظام نزدیک‌تر است، هم ایران قوی‌تری خواهد ساخت. ترس از تغییر یا ناتوانی از ایجاد تحول، به‌نحوی دردآور و رنج‌افزا موجب تصلب و سپس تضعیف جمهوری اسلامی می‌شود.»

غفاری ادامه داد: «باتوجه به (۱) دستورکار قوی‌شدن ایران و (۲) تجربه متراکم سیاسی ده ده اخیر، شایسته است تفکر نقد، نظام‌مند و خلاق ما به کار بیفتد تا بر اساس مبانی فکری و مصالح عمومی، «شرایب‌های درک و حل اعتراضات» را باز کند. جاری‌شدن خون کارآمدی در رگ‌های حکمرانی، زخم‌های عفونی را پاک کرده و خواهد بست. به نظر من اولین نشانه‌ای که اینک اعتراض «شنیده می‌شود» آن است که مردم تغییر در زبان حکمرانی را حس کنند. کیجا؟ بیشتر و رساتر از همه در رسانه ملی! اگر نه، نظام حکمرانی‌ای که از شنیدن صداهای متکرر در متن جامعه کر باشد، در مقام مخاطب با عامه نیز لال خواهد بود.»

این جامعه‌شناس تصریح کرد: «نظام حکمرانی ما به‌درستی می‌داند که دشمن از هر فرصتی برای به التهاب کشیدن جامعه استفاده کرده و در جریان اعتراضات مداخله می‌کند. این حرف حقی است؛ اما نباید حقوق عامه را پوشاند. همین نظام حکمرانی تکلیف دارد باتوجه به وضعیت میدان اجتماعی، ترتیباتی اتخاذ کند که باوجود این ملاحظه راهبردی، مردم بتوانند از حق اعتراض خودشان به شکل مدنی استفاده کنند.»

غضاری با بیان اینکه در این زمینه دو ملاحظه باید مدنظر نظام حکمرانی باشند، این دورا چنین توضیح داد: «یکم: جمهوری اسلامی به‌عنوان یک سازه سیاسی که امام خمینی (ره) ابداع کرده، از اساس یک «نظم مدنی – نظام سیاسی» است و خلا اعتراض مؤثر در واقع ابتدا موجب تضعیف نظم مدنی و آنگاه موجب تضعیف نظام سیاسی می‌شود. دوم: نیروی اعتراض می‌تواند و باید در خدمت فهم و ترمیم نقاط ضعف عملکرد حکمرانی قرار گیرد؛ پس اگر دنبال ایده «ایران قوی» هستیم، باید با آغوش باز به استقبال اعتراض برویم.»

وی افزود: «اینکه معترضان به عملکرد نظام حکمرانی (نه حاکمیت سیاسی)